

DOI: 10.30512/ KQ.2021.15710.2944

بازپژوهی معنای واژه «مُتَّكًا» در آیه ۳۱ سوره یوسف

رحمان عشریه^۱

سید محمد حسینی پور^۲

چکیده

معنای واژگان قرآن هرچند در ابتدا با فرهنگ مفاهمه مخاطبان نخستین آن سازگار بوده، لیکن در سده‌های بعد دچار تشتت آرای مختلف شده و عواملی چون ورود واژگان معرب در متن قرآن نیز همواره مزید بر علت بوده است. یکی از واژگانی که در میدان تراجم آرای مختلف قرار گرفته، واژه «مُتَّكًا» در آیه ۳۱ سوره یوسف است که لغویان و مفسران برای آن چهار معنای «مجلس»، «تکیه‌گاه»، «خوراکی» و «ترنج» را مطرح کرده‌اند. در جامعه مفسران، برخی تلاش کرده‌اند تا معانی مختلف را با یکدیگر جمع نمایند و برخی دیگر آشکارا معنای مخالف نظر خود را تخطئه نموده‌اند، برخی نیز تمام معانی را ذکر کرده و از ترجیح یک معنا بر سایرین، اجتناب کرده‌اند. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی ابتدا قرائات گوناگون را تبیین و سپس به بررسی آرای مختلف لغویان و مفسران پرداخته و پس از رفع ایرادهای وارده، معنای «ترنج» را بر سایر معانی ترجیح داده است. این معنا علاوه بر مؤیداتی چون علم لغت، روایات فریقین، سیاق آیه مورد بحث و آرای مفسران، از منظر «معربات» نیز مورد تأیید است؛ زیرا این واژه با همان قرائت مشهور «مُتَّكًا»، در زبان قبلی و حبشی به معنای «ترنج» است، و این با فضای داستان حضرت یوسف (ع) که در مصر (منطقه آفریقای جنوبی) رخ داده نیز هم‌خوانی دارد.

واژگان کلیدی: آیه ۳۱ سوره یوسف، قرائت مشهور، ترنج، متکا، معرب.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم / oshryeh@quran.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول) / mohamad_hoseinipoor@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مسأله

آیه ۳۱ سوره یوسف به تلاش زلیخا نسبت به نمایش جمال و جلال یوسف (ع) به زنان ملامت‌گر مصر اشاره داشته و ماجرا را این‌گونه حکایت کرده است: ﴿فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ﴾ (یوسف: ۳۱/۱۲)؛ زمانی که گفتار مکرآمیز زنان را شنید، نزدشان فرستاد و برای هر یک «مُتَّكًا» آماده کرده و به هر یک چاقویی داد و گفت: بر زنان بیرون آی! چون او را دیدند، بزرگش شمردند و دست خویش بریدند و گفتند: حاشا که این بشر باشد! او جز فرشته‌ای بزرگوار نیست.

معنای واژه «مُتَّكًا» با توجه به خوانش متفاوت آن در این آیه از دیرباز محل معرکه آرای گوناگون - از روایات عامه و خاصه گرفته تا نظرات مفسران - بوده که می‌توان آن آرا و نظرات را در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی نمود. گروه اول، مُتَّكًا را به معنای تکیه‌گاه، پشتی، متکا و ابزار برای نشستن و تکیه‌دادن می‌داند؛ گروه دوم، معنای مجلس، محفل و ضیافت را برای این واژه برگزیده‌اند؛ گروه سوم، معنای میوه از قبیل ترنج، بالنگ، موز، هندوانه یا مانند آن را نقل کرده‌اند و گروه چهارم، معنای واژه را مطلق خوراکی دانسته‌اند. از آنجا که معانی اول و دوم و نیز معنای سوم و چهارم، قرابت قابل توجهی با یکدیگر دارند، می‌توان گفت: جدال اصلی دانشیان بر سر دو معنای متفاوت تکیه‌گاه و ترنج می‌باشد. لازم به ذکر است برخی از صاحب‌نظران در ایجاد قرابت بین معنای یادشده کوشیده و برخی دیگر، به رد معنای مخالف پرداخته‌اند و برخی دیگر نیز، پس از بیان آرای مختلف، منظور کلی عبارت را مد نظر قرار داده و صراحتی در انتخاب یک معنا و ترجیح آن بر سایرین نداشته‌اند که تمام آرای یادشده، در متن تحقیق بررسی خواهند شد.

هرچند لابه‌لای تحقیق‌های گذشته پیرامون داستان حضرت یوسف (ع) و زلیخا اشاره‌ای گذرا به موضوع این تحقیق شده، لیکن تاکنون پژوهشی مستقل پیرامون معنای واژه «مُتَّكًا» که تمام ابعاد معنایی آن را به تحلیل کشیده و ضمن نقد معنای مختلف و ارایه ادله مربوطه، یکی از معنای موجود را بر سایرین ترجیح دهد، صورت نگرفته است؛ بنابراین، معنای آن همچنان در میدان تراحم آرای مختلف به سر می‌برد. تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش که «معنای واژه مُتَّكًا در آیه مورد بحث چیست؟» با روشی توصیفی-تحلیلی به تبیین معنای واژه مورد بحث می‌پردازد؛ بدین منظور، ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی واژه «مُتَّكًا» در آرای لغویان، و سپس اختلاف قرائت آن بررسی می‌شود. سپس روایات فریقین پیرامون معنای این واژه، تبیین شده و در ادامه، آرای مفسران نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در پایان، با توجه به اطلاعات به دست آمده، ضمن بررسی ادله محققان در تأیید یا رد معنای مختلف، معنای تقویت‌شده با دیگر شواهد و قراین تبیین خواهد شد.

^۳ میوه‌ای است معطر که از مرکبات بوده و از نارنج بزرگتر است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۶۷۵)

۲- واژه شناسی

به نظر می‌رسد بخشی از نزاع موجود بر سر مفهوم واژه «مُتَّكًا» از سوی برخی مفسران، برخاسته از معنای و قرائات مختلف این واژه باشد، چنان‌که در تفاسیر خود بدان اشاره کرده‌اند؛ از این رو، لازم است نخست از معنای لغوی و اصطلاحی آن، پرده‌برداری و سپس قرائات مختلف آن تبیین نیز شود.

۲-۱- معنای لغوی

لغویان پیرامون واژه مورد بحث، توجه چندانی به اختلاف قرائات نداشته‌اند. خلیل، بدون اشاره به معنای غیر از تکیه‌دادن، اصل واژه «مُتَّكًا» را «موتکاً» دانسته که «واو» به «تاء» تبدیل، در آن ادغام و به ناچار، مشدّد و مثقل شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۲۲)؛ به همین دلیل برخی لغویان، ذیل ماده «ت.ک.أ.» سکوت کرده و بحث پیرامون آن را به ماده «و.ک.أ.» موکول کرده‌اند. این افراد، معنای حقیقی را بر «تکیه‌دادن» بنا کرده و واژگانی چند نیز شاهد آورده‌اند که: «تَوَكَّأَ عَلَيْهِ»، «أَوَكَّأَ»، «التُّكَّأَةُ»، «يُتَّكَّأُ»، «أَتَّكَّأْتُ، إِتَّكَّأْتُ» و «أَتَّكَّأُ» از آنهاست؛ سپس آیه مورد بحث را ذکر کرده و سه معنای مختلف از واژه «مُتَّكًا» ارایه می‌دهند: اول، چیزی است که بر آن تکیه دهند تا بخورند و بیاشامند یا اینکه سخن بگویند، و آن را مروی زجاج می‌دانند؛ دوم، معنای مجلس است که از اخفش نقل کردند و سوم، قول مفسران است که آن را نه حقیقت و بلکه مجاز دانسته و معنای آن را نیز مطلق خوردنی می‌پندارند. این دسته از لغویان، در ادامه و بدون اشاره به قرائات مختلف این واژه، دلیل استقرار معنای مجازی «خوراکی» بر واژه «مُتَّكًا» را این می‌دانند که مردم معمولاً برای صرف خوراکی، تکیه می‌دهند هر چند در سنت نبی مکرم و نیز در طریق پزشکان، از آن نهی شده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۸۲ / ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، صص ۲۰۰-۲۰۱ / زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۴۹۹-۵۰۰). جوهری نیز همین مطالب را به اختصار آورده و برای آیه مورد بحث، به نظر اخفش مبنی بر معنای «مجلس» اشاره نموده است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۲). همچنین ابن فارس تنها به همین معنای مجلس اشاره کرده و اضافه می‌کند که اصل معنای این ماده، شدت و قوت بوده و تکیه‌دادن نیز از همین ماده است چون تکیه‌دهنده را در استقرار، تقویت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۳۷). اما راغب اصفهانی، ضمن ارایه معنای تکیه‌گاه برای واژه «مُتَّكًا»، آیه مورد بحث را آورده و معنای واژه «مُتَّكًا» را تنها ترجیح می‌داند که گویا، خوراکی متداولی بوده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۱۶۷). در مقابل، طریحی برای واژه مورد بحث در آیه شریفه، معنای تکیه‌گاه را پذیرفته و البته با استفاده از لفظ «قیل» اشاره‌ای به دو معنای مجلس و خوراکی نیز دارد (طریحی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۵۳) که نشان از ترجیح معنای تکیه‌گاه بر دو معنای اخیر دارد.

۲-۲- معنای مجازی

محققان معتقدند معنای اصطلاحی، معنایی است که در آن از معنای لغوی خارج شده و معنایی منظور شود که با واژه مناسبتی داشته باشد و مرادی از آن، حاصل آید (جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۲۸ / ابوالبقاء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۹). با توجه به این معنا و آنچه در معنای لغوی گذشت، می‌توان نظر برخی از لغویان را اینگونه تلخیص کرد که: معنای واژه «مُتَّكًا» در لغت تازی به معنای تکیه‌گاه و مجلس است؛ لیکن از آنجا که زمان صرف خوراکی جلوس نموده و به تکیه‌گاهی تکیه می‌دهند، واژه مورد بحث بعضاً از معنای لغوی خارج شده

و معنای مجازی یافته و در این معنا، به معنای «مطلق خوراکی» یا «خوراکی ویژه‌ای» (مانند ترنج) نیز به کار می‌رود. مناسبت لازم برای خروج از معنای لغوی به معنای مجازی نیز همان تکیه‌دادن زمان صرف خوراکی است که در ادامه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ذکر معانی مختلف از سوی لغویان باعث شده تا با تکیه بر آرای ایشان بتوان مراد جدی گوینده و معنای صحیح واژه مورد بحث را از اقوال آنها استخراج کرد؛ هرچند غلبه معنایی در آرای لغویان با معنای «تکیه‌گاه» است. بنابراین، می‌بایست قرائات مختلف، روایات و آرای مفسران نیز بررسی شود.

۳-قرائت واژه مورد بحث

به جز بررسی معنای لغوی و اصطلاحی، واژه مورد بحث خوانش‌های مختلفی نیز داشته است؛ از این رو، در ادامه قرائات مختلف آن تبیین و معانی آنها بررسی می‌شوند.

۳-۱-قرائت مشهور

صحابه و تابعین، واژه مورد بحث را به پنج نوع مختلف قرائت کرده‌اند؛ اول، قرائت «مُتْكَأً» بوده که به ابوجعفر، زهری و شیبیه منسوب است؛ دوم، قرائت «مُتْكَأً» که از مطوعی و أعرج شنیده شده؛ سوم، «مُتْكَأً» که حسن و ابن‌هرمز خوانده‌اند؛ چهارم «مُتْكَأً» که قرائت منسوب به ابن‌عباس، ابن‌عمر، مجاهد، قتاده، ضحاک، جحدری، کلبی، أبان، ابن‌هرمز و أعمش است و پنجم، «مُتْكَأً» که از عبدالله و معاذ رسیده است (احمد مختار، ۱۴۱۲، ج ۳، صص ۱۶۵-۱۶۶). از راویان فوق، تنها «ابوجعفر یزید بن عقیق» جزو قاریان ده‌گانه است که واژه مورد بحث را «مُتْكَأً» خوانده و نه قاری دیگر، آن را طبق روایت حسن و ابن‌هرمز، «مُتْكَأً» خوانده‌اند (خاروف، ۱۴۳۳، ص ۲۳۹). با توجه به اینکه تنها یک تن از قاریان ده‌گانه، واژه مورد بحث را «مُتْكَأً» خوانده و نه قاری دیگر، مخصوصاً «عاصم بن بهدله کوفی» - که امروزه روایت حفص از قرائت وی، شهرت دارد - قرائت «مُتْكَأً» را برگزیده‌اند، می‌توان گفت قرائت مشهور واژه مورد بحث، همان قرائت «مُتْكَأً» است که مروی حسن و ابن‌هرمز بود و نه قاری از قاریان ده‌گانه (از جمله عاصم) نیز آن را به این شکل خوانده‌اند. واژه مورد بحث در هر دو قرائت اول و سوم (قرائت مشهور) از قرائات پنج‌گانه فوق که مُتْكَأً را با تشدید تاء خوانده‌اند، اسم مفعولی برخاسته از مصدر «أَتَكَأَ» (باب افتعال) است که معنای «تکیه‌گاه» می‌دهد یا «طلب تکیه‌دادن»؛ قابل ذکر است که طلب و اتخاذ، از معانی باب افتعال است (تفتازانی، ۱۴۳۲، ص ۸۶/ شرتونی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

۳-۲-قرائت شاذ

در مقابل قرائت مشهور «مُتْكَأً»، سایر خوانش‌ها از جمله قرائت «مُتْكَأً» نیز به عنوان قرائات شاذ، شناخته می‌شوند. برخی از لغویان و مفسران، قرائت واژه مورد بحث به تشدید تاء (قرائت اول و سوم) را به معنای خوراکی و با تخفیف آن (قرائت دوم، چهارم و پنجم)، به معنای ترنج دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۱۶۷/ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۶/ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶۴). دهخدا نیز به نقل از صاحب منتهی الارب و ناظم الأطباء، معنای واژه «مُتْكَ» [به تخفیف تاء] را «ترنج»، «بریدن» و «برش یا قطعه»

می‌داند اگر به فتح یا کسر میم خوانده شود، لیکن «مُتَّكًا» [به تشدید تاء] را تنها به تکیه‌گاه معنی می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۲۰۷). جمع اقوالی که گذشت، نشان می‌دهد قرائت مشهور «مُتَّكًا» (به تشدید تاء) در زبان تازی، دارای هر دو معنای تکیه‌گاه و خوراکی بوده، لیکن قرائت شاذ «مُتَّكًا» (به تخفیف تاء) در این زبان، تنها به معنای ترنج است. برخی از دانشمندان چنان‌که در ادامه ملاحظه می‌شود، معنای خوراکی و ترنج را برخاسته از روایات دانسته و معنای اصلی واژه را همان معنای اسم مفعولی تکیه‌گاه فرض کرده‌اند که معنای قرائت مشهور است.

۴- روایات تفسیری پیرامون واژه «مُتَّكًا» در آیه ۳۱ سوره یوسف

نخستین مفسران قرآن، از نگاه شیعه، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان و در منظر اهل سنت، پیامبر، صحابه و تابعین آنها هستند. برای تبیین واژه مورد بحث در جوامع روایی شیعه، دو حدیث آمده که اولی از امام سجاد (ع) است که ذیل آیه ۳۱ سوره یوسف فرمود: «... زلیخا برای آن زنان، «خوراکی» و «مجلسی» فراهم کرد و در مقابلشان «ترنج» نهاد، به هریک چاقویی داد...» (عیاشی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸۶). در این روایت، اشاره صریحی به معنای واژه «مُتَّكًا» نشده، هرچند دلالت ضمنی حدیث، معنا را بر دو احتمال خوراکی و مجلس مستقر کرده و اشاره‌ای نیز به ماهیت خوراکی (ترنج) شده است. روایت دوم، روایت موجود در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی است که صراحتاً معنای واژه «مُتَّكًا» را «ترنج» می‌داند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۳). بنابراین، با توجه به وجود معنای خوراکی، ترنج و مجلس در روایت عیاشی - علی‌رغم عدم صراحت در معنای واژه مورد بحث-، و نیز با توجه به صراحت روایت قمی در معنای آن واژه، می‌توان گفت در روایات شیعه، معنای ترنج نسبت به سایر معانی از قدرت بیشتری برخوردار است. مفسران اهل سنت، معانی دیگری نیز ارائه داده و به نظر می‌رسد، بین آن معانی سردرگم شده‌اند؛ خاصه اینکه راویان معانی مختلف نزد آنها، متفاوت بوده و مثلاً معنایی که مفسری از ابن عباس نقل کرده، مفسر دیگر از مجاهد آورده و بالعکس؛ یا اینکه مفسری (مانند طبری) دو معنای مختلف را از یک راوی (ابن عباس) آورده که به این ترتیب نمی‌توان با قاطعیت، رأی فردی مانند ابن عباس را دریافت. به گزارش طبری، صحابه و تابعین آنها معانی مختلفی را به شرح زیر آورده‌اند:

- مُتَّكًا: مُتَّكًا (به معنی ما یتکأ علیه: تکیه‌گاه): سدی.
- مجلساً: ابن عباس.
- مجلساً للطعام: قتاده.
- الطعام یا طعاماً: عبدالله بن یزید (اگر مُتَّكًا بخوانند)، عطیه، حسن، سعید بن جبیر، مجاهد (از شش طریق)، قتاده، عکرمه، ابن اسحاق، ابن زید و ضحاک.
- أَتْرَجًا یا التَّرْنِج: ابن عباس (از دو طریق)، مجاهد (از سه طریق؛ اگر مُتَّكًا بخوانند).
- طعاماً و شراباً و مُتَّكًا: سعید.
- کل شیء یُجَزُّ بالسَّكِّینِ (آنچه با چاقو ببرند): ضحاک (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲، صص ۱۱۹-۱۲۰).

ممکن است بتوان برخی از این معانی مانند آنچه از ضحاک رسیده (آنچه با چاقو ببرند) را با برخی معانی دیگر (خوراکی و ترنج) در ارتباط دانست، ولی برخی از معانی با یکدیگر بی‌ارتباط بوده و بزرگان نیز بعضاً معنای مخالف نظر خود را ابطال کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، طبری خود، از ابو عبیده نقل کرده که او معنای تکیه‌گاه را بیان کرد و معنای ترنج را باطل‌ترین باطل‌ها دانست. طبری سپس نظر قاسم بن سلام را در نقد ادعای ابو عبیده می‌آورد که گفت: فقها، تأویل این کلمه را بهتر می‌دانند (همان، ص ۱۲۰). برخی از روایات طبری که تمام معانی محتمل را آورده‌اند، گویا مکان صرف خوراکی را تکیه‌گاه دانسته‌اند که معمولاً هنگام خوردن بر آن تکیه می‌زنند (همان، ص ۱۱۹) که این از باب معنای مجازی واژه مورد بحث بوده و پیشتر، در آرای لغویان نیز دیده شد. تشتت آرای یادشده آن‌هم در اثری که از معتبرترین تفاسیر نزد عامه و بلکه «امّ التفاسیر» آنهاست، اندیشه محقق را بر آن می‌دارد که یکی از احتمالات سه‌گانه زیر را بپذیرد: یا مانند برخی از علمای اهل سنت، معتقد به جنون جمع حدیث از سوی طبری باشد (رضا، ۱۴۱۴، ج ۳، صص ۲۹۸-۲۹۹) و بسیاری از مفاد تفسیرش را ضعیف بشمرد؛ یا بپذیرد که اصحاب، معنای واحدی را از رسول خدا شنیده‌اند و به منبع اهل بیت (ع) نیز متصل نبوده و در نتیجه در طول زمان نظرات مختلفی ارائه داده یا نظرات و اجتهادات شخصی خود را با سخنان چندپهلوی و بعضاً معارض با یکدیگر، گفته‌اند؛ و بالأخره اینکه بین دو احتمال فوق، جمع نموده و هر دو را بپذیرد.

باری، در مرویات طبری، تنها دو روایت از سدی و ابن عباس به معنای تکیه‌گاه و مجلس اشاره داشته، یک روایت از قتاده که معنای مُتَّكَا را «مجلساً للطَّعام» دانسته و سایر روایات از ۲۲ طریق، معنای خوراکی و ترنج را بیان کرده‌اند. همچنین طبری هر دو معنای مجلس و ترنج را از ابن عباس نقل کرده که با توجه به این نقل، نمی‌توان نظر قطعی ابن عباس را در معنای واژه مورد بحث دریافت؛ مگر اینکه معنای ترنج، به دلیل اینکه با دو طریق از ابن عباس آمده، نسبت به معنای تکیه‌گاه که تنها با یک طریق از او رسیده، تقویت شود. حجم قابل توجه روایات عامه که با ۲۲ طریق مختلف، مؤید معنای ترنج و خوراکی هستند، معنای ترنج را نسبت به معنای تکیه‌گاه مرجح می‌سازد؛ برخلاف آرای بیشتر لغویان، که به معنای «تکیه‌گاه» متمایل بودند. چنان‌که پیشتر گذشت همین ترجیح معنای ترنج، در دو حدیث موجود در مجامع حدیثی شیعه نیز مشهود و بلکه معنای صریح واژه مورد بحث در روایت قمی و نیز تنها معنای اشتراکی در دو روایت مذکور است.

۵- آرای مفسران

پس از اهل بیت، صحابه و تابعین، مفسران آرای گوناگونی را -بعضاً با استدلال‌های خاص خود- ارائه داده‌اند. مفسران را با توجه به آرای ایرادشده پیرامون واژه «مُتَّكَا» در آیه ۳۱ سوره یوسف، می‌توان در چهار دسته کلی طبقه‌بندی کرد. در ادامه، مفسران هر گروه و آرای آنها تبیین و تحلیل می‌شوند.

۵-۱- گروه اول

نخستین گروه، مفسرانی هستند که معانی مختلف را ذکر کرده و هیچیک را بر دیگری ترجیح نداده‌اند؛ مانند ثعالبی، شیخ طوسی، کاشفی، طریحی، شبر، بیضاوی و رشیدرضا. ثعالبی پس از ذکر معنای تکیه‌گاه، قرائت «مُتَّكَا» را از ابن عباس دانسته و معنای آن را ترنج و هرآنچه با چاقو ببرند می‌داند؛ لیکن معنایی را بر

دیگر معانی ترجیح نداده است (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۳، صص ۳۲۲-۳۲۳). همچنین است شیخ طوسی که معانی مختلف را بدون انتخاب یکی از آنها ذکر کرده است (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۱۳۱). افرادی چون کاشفی - که آشنا به ادبیات عرب و فارسی است - و طریحی، اشاره‌ای به ترنج نداشته و تنها سه معنای تکیه‌گاه، خوراکی و مجلس خوراکی را محتمل دانسته لیکن ترجیحی از معانی یادشده اختیار نکرده‌اند (کاشفی، ۱۳۱۷، ج ۲، ص ۲۴۰ / طریحی، بی تا، ص ۱۴) چنان‌که پیشتر و در بخش واژه‌شناسی آمد، طریحی در لغت‌نامه خود نیز چنین کرده بود. مفسران ذیل نیز به نقل معانی مختلف اشاره کرده و هیچیک را آشکارا بر دیگری ترجیح نداده‌اند (شبر، ۱۳۹۷، ص ۲۴۲ / بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۰۴ / رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۹۲).

۵-۲- گروه دوم

گروه دوم از مفسران، معنای «مُتَّكًا» را «تکیه‌گاه» دانسته‌اند؛ هرچند اشاره‌ای به سایر معانی نیز دارند. زمخشری از این گروه است؛ وی معنای اصلی واژه را بر تکیه‌گاه مستقر کرده و سایر معانی را با واژه «قبیل» آورده که نشان از تضعیف دارد. او ابتدا به معنای «مجلس خوراکی» اشاره کرده و سپس معنای «خوراکی» را آورده و آن را از باب کنایه می‌داند؛ سپس به قراءات مختلف از جمله مُتَّكًا (بدون همزه)، مُتَّكًا (از قول حسن) و مُتَّكًا به معنای خوردنی‌هایی از قبیل: ترنج، زُماوُرد (نوعی خوراکی آمیخته با تخم مرغ و گوشت)، موز و هندوانه اشاره‌ای گذرا می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، صص ۴۶۳-۴۶۴).

برخی از مفسران، اشاره آیه شریفه به تکیه‌زدن را به دلیل کرامت حضار دانسته و سپس گفته‌اند: بدیهی است چنین مجلسی، مملو از خوردنی‌ها باشد. در ادامه آیه، ذیل واژه «سکیناً» آورده‌اند که چاقو برای بریدن ترنج و خوراکی بوده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۳۸ / قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۱۹۸۴). این مفسران، گویا وجود خوراکی‌ها در آن مجلس را پذیرفته، لیکن معنای ترنج و خوراکی را برای واژه «مُتَّكًا» در نظر نگرفته‌اند که این، مستلزم ایجاد واژگان مقدر برای تصحیح معناست و این نوع تقدیر - چنان‌که در بخش پایانی خواهد آمد - خالی از ایراد نیست.

فراهی هروی، ضمن پذیرفتن وجود خوردنی در آن مجلس و حتی ماهیت آن به ترنج، هرگز اشاره‌ای به معنای خوراکی یا ترنج برای واژه «مُتَّكًا» نداشته و تنها معنای تکیه‌گاه را آورده و آن را با قول کلبی تقویت نموده که گفت: «مُتَّكًا نوعی کرسی بود از عود خام مطیب و به زر و سیم مکمل» (فراهی هروی، ۱۳۸۴، ص ۴۴۸). نگارندگان تفسیر نمونه، ابتدا معنای «مُتَّكًا» را تکیه‌گاه دانسته و سپس معنای ترنج را نیز از قول برخی مفسران آورده‌اند. در ادامه گفته‌اند حتی آن مفسرانی که واژه «مُتَّكًا» را تکیه‌گاه معنا کرده‌اند، آن میوه را همان ترنج دانسته‌اند که نوعی بالنگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۹۴)؛ لیکن این ادعا آشکارا نه در ظاهر آیه وجود دارد و نه حتی در روایات تفسیری آمده است؛ زیرا روایات، خوراکی‌های دیگری نیز برشمرده‌اند که پیشتر گذشت. همچنین بنابر مقدمات تفسیر نمونه، اختصاص معنای خوراکی ترنج به ظاهر آیه مورد بحث، مستلزم تقدیر است.

عده‌ای از مفسران که معنای تکیه‌گاه را ترجیح داده‌اند، معنای ترنج را برخاسته از قرائت شاذ دانسته و آن را معنای مجازی برشمرده‌اند؛ مانند شیخ طبرسی که ضمن شاذ دانستن قرائت «مُتَّكًا» و انتساب آن به مجاهد

و ابن عباس (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۴۹)، معنای خوراکی را معنای مجازی می‌داند؛ از این رو که برای صرف خوراکی‌ها تکیه می‌دهند. سپس ذیل واژه «سگیناً» آورده که چاقو برای بریدن میوه و ترنج بوده است (همان، ص ۳۵۲). شیخ طبرسی همچنین، معانی یادشده را از راویان مختلف آورده که با طریق طبری سازگار نیست؛ به عنوان نمونه آنچه طبری از ضحاک نقل کرد را طبرسی به عکرمه نسبت داده است (همان). ابن‌عاشور در تفسیری نزدیک به تفسیر طبرسی، آورده که تکیه می‌دادند تا خوراکی بخورند طبق عادت رومیان؛ سپس حدیثی از پیامبر اعظم نقل کرده که حضرت فرمودند: «أنا فلا أكل متکناً؛ من زمان تکیه‌دادن، [خوراکی] نمی‌خورم» (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۵۵). برخی دیگر از مفسران نیز معنای ترنج را معنای مجازی می‌دانند (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۵، ص ۳۶ / شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۲۱۱).

ابوالفتوح رازی در ترجمه فارسی آیات، واژه مورد بحث را تنها به «تکیه‌گاه» ترجمه کرده (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۹) و سپس در بخش تفسیر، ابتدا معنای تکیه‌گاه را مروی از ابن‌عباس دانسته و سپس معنای خوراکی را مطرح می‌کند. وی در وجوه استقرار معنای خوراکی بر واژه مورد بحث، نخست، از قتیبی آورده که گفته معنای خوراکی برای واژه «مُتْكَأً» مجازی است، زیرا برای هر که خوراکی آوردند تکیه‌گاهی فراهم کنند تا زمان خوردن بر آن تکیه دهد و در ادامه، به نظر دیگران اشاره کرده که معتقدند معنای خوراکی برای واژه «مُتْكَأً» از باب تشبیه نیست، زیرا خود این واژه معنای خوراکی می‌دهد چنان‌که گویند: «اتَّكْنَا عند فلان، أی طعمنا». سپس در تأیید آن، شعری از عدی بن زید آورده که: «فَطَلَّلْنَا بِنَعْمَةٍ وَاتَّكْنَا / وَشَرِبْنَا الْحَلَالَ مِنْ قُلَّةٍ» که در آن «فَاتَّكْنَا» به معنای «طعمنا» است (همان، ص ۶۲). نقل ابوالفتوح رازی و شعری که در تأیید آن آورده، باب احتمالی را گشوده که طی آن، معنای حقیقی واژه مورد بحث، نه تکیه‌گاه و مجلس و بلکه خوراکی باشد. همچنین پیرامون چیستی آن خوراکی، اقوال مختلف را ذکر کرده و گفته هرچه بوده، به جهت وجود واژه «سگیناً» برای خوردن نیاز به چاقو داشته است (همان).

برخی دیگر از مفسران این گروه، اشاره‌ای به معنای مجازی نداشته و صرفاً شاذ بودن قرائت «مُتْكَأً» را دلیل رد معنای ترنج و اختیار معنای تکیه‌گاه برای واژه مورد بحث دانسته‌اند؛ مانند میبیدی که پس از نقل داستان، قرائت «مُتْكَأً» را از شواذ عنوان کرده و معنای آن را مطلق خوراکی می‌داند که با چاقو ببرند، مانند: ترنج، هندوانه، موز و زُماوُرد (خوراکی آمیخته با گوشت)؛ سپس نقلی در این معنا آورده که زمانی که چیزی را ببرند گویند: «بتکت الشیء و متکته» (میبیدی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۵۶) که پیشتر این معنا از دهخدا نیز نقل شد. علامه طباطبایی نیز، «مُتْكَأً» را اسم مفعول از مصدر «اتکا» دانسته که همان تکیه‌گاه است؛ سپس معنای ترنج را ذکر کرده و نقدی بر آن ارایه نداده، لیکن قرائت «مُتْكَأً» به معنای ترنج را شاذ دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۱۴۹).

ثقفی تهرانی گویا با تعارضی آشکار روبرو شده است؛ از طرفی با توجه به قرائت مشهور، دلالت واژه «مُتْكَأً» را بر معنای ترنج بعید دانسته و از طرفی معنای ترنج را با فضای داستان کاملاً مناسب می‌داند، به همین دلیل قایل به لزوم اخذ تقدیر شده است (ثقفی تهرانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۸۶). از طرفی نیز آشکارا روایت قمی را آورده که مراد از «مُتْكَأً» را ترنج دانسته و ایرادی به روایت مذکور وارد نکرده است (همان). در بخش پایانی پژوهش پیش رو، موضوع لزوم اخذ تقدیر مورد نقد قرار خواهد گرفت.

۵-۳- گروه سوم

در مقابل گروه قبلی، برخی از مفسران، معنای تکیه‌گاه را تضعیف کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، قرشی پس از ذکر معانی مختلف، مراد را نه تکیه‌گاه و بلکه مجلس دانسته که با اطمینان و آرامش در آن می‌نشینند؛ او ادعای خود را با نظر صاحب مصباح تقویت کرده، اضافه می‌کند: «طبیعی نخواهد بود که بگوییم: آنها را دعوت کرد و برایشان پستی آماده نمود و اگر قرائت «مُتَّكًا» به معنی ترنج مشهور بود، آن کاملاً مناسب به نظر می‌رسید» (قرشی، ۱۳۵۴، ج ۷، ص ۲۳۹). بنابراین، قرشی نیز مانند ثقفی، میبیدی و طباطبایی، ایراد معنای ترنج را قرائت غیر مشهور «مُتَّكًا» دانسته که در ادامه نقد خواهد شد.

۵-۴- گروه چهارم

گروه چهارم از مفسران، یا تنها معنای ترنج را ذکر کرده‌اند و یا پس از ذکر معانی مختلف، معنای ترنج را با دلایلی چند ترجیح داده‌اند؛ مانند فراء، طبری، فخررازی، لاهیجی، سبزواری و عاطف الزین. فراء اساساً اشاره‌ای به معنای «تکیه‌گاه» نکرده، با تردیدی زیرکانه، دو معنای مجلس و ترنج را ارایه داده و سپس از قول شیخی از ثقات بصره، احتمال معنای «رُمَّوَرْد» را آورده و گفته: ظاهراً نوعی خوراکی است که از تخم مرغ و گوشت فراهم می‌شد (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۴۲). طبری، حین نقل قول صحابه و تابعین گویا معنای ترنج را با واژه «سکین: چاقو» که در سیاق عبارت مورد بحث آمده، مناسب‌تر دانسته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۱۲۰)؛ البته در ترجمه تفسیر طبری به زبان فارسی، واژه «مُتَّكًا» به «تکیه‌گاه» معنا شده (طبری، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۷۴۳)، لیکن باید دانست که محققان انتساب تألیف این اثر تفسیری به شخص طبری را مردود و مؤلفان آن را عده‌ای می‌دانند که از منابع گوناگون از جمله «تفسیر طبری» استفاده کرده‌اند (زریاب خوبی، ۱۳۳۹، ۱۲۰۸/خرمشاهی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰). بنابراین، معنای مورد نظر شخص طبری همان ترنج است که در تفسیر وی آمده بود.

فخررازی ضمن نقل اقوال مختلف و تلاش در جمع معانی گوناگون، معنای ترنج را علی‌رغم ایراد ابوعبیده که آن را باطل‌ترین باطل‌ها می‌دانست، محتمل دانسته و دلیل خود را وجود میوه‌های مختلف در آن مجلس عنوان کرده است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۴۸). صاحب تفسیر لاهیجی پس از ذکر معانی مختلف، با استناد به قول قاضی بیضاوی، معنای ترنج را برای واژه مورد بحث برگزیده است (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۱۳). سبزواری معانی مختلف را نقل کرده، لیکن معنای میوه را با فضای نقل داستان و سیاق، مناسب‌تر دانسته است (سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۲). عاطف الزین، ذیل واژه «مُتَّكًا» معنای تکیه‌گاه را آورده، لیکن پس از آیه مورد بحث، این واژه را تنها به معنای ترنج دانسته و گفته خوراکی بوده که در دسترس همگان قرار داشته است (عاطف الزین، ۱۴۰۴، ص ۱۶۷). فیض کاشانی در تفسیر روایی خود، تنها به همان دو روایت عیاشی و قمی اشاره کرده که امام سجاد (ع) بدون اشاره صریح به واژه «مُتَّكًا»، معنای کلی عبارت را خوراکی و مجلس دانسته و به وجود ترنج در آن ضیافت نیز اشاره داشته و در روایت قمی، آشکارا واژه مورد بحث به ترنج معنا شده است (فیض کاشانی، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۶).

جلال‌الدین سیوطی معنای واژه «مُتَّكًا» را خوراکی دانسته که با چاقو می‌بریدند، سپس آورده که آن خوراکی ترنج بوده است (سیوطی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۲). حال شایسته است، دیدگاه سیوطی در سایر کتب وی نیز بررسی شود. سیوطی در تفسیر روایی الدر المنثور، تنها روایات حاکی از معنای ترنج و خوراکی را آورده و هرگز اشاره‌ای به معنای تکیه‌گاه نکرده است. این روایات خود، به دو دسته قابل تقسیم‌اند: نخست، روایاتی که بدون اشاره به معنای واژه «مُتَّكًا» و به طور ضمنی گفته‌اند در آن مجلس، به دست حاضرین خوراکی دادند و آن روایات مروی از ابن عباس است و سیوطی از ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم و ابوالشیخ نیز آن روایات را نقل کرده است و دیگر، روایاتی که صراحتاً معنای واژه «مُتَّكًا» را «ترنج» و مانند آن دانسته‌اند که از ابن عباس، مجاهد، ضحاک، سعید بن جبیر، عکرمه و ابن زید نقل کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۶). همچنین دو روایت از مجاهد و ابان بن تغلب آورده که قرائت واژه متکاً با تشدید تاء به معنای خوراکی و با تخفیف آن، به معنای ترنج است (همان). نکته دقیق‌تر روایتی است که سیوطی به نقل از پیشینیان خود نظیر ابن ابی حاتم و ابوالشیخ، از «أبو عبد الله سلمة بن تمام شقري» آورده مبنی بر اینکه «مُتَّكًا» با همین قرائت مشدد و مشهور، در زبان حبشی نه به معنای تکیه‌گاه، بلکه به معنای ترنج است (همان؛ سیوطی، بی‌تا، ص ۳۱). متن روایتی که ابن ابی حاتم خود، به صورت مسند آورده این‌گونه است: «... عن سلمة بن تمام قال: مُتَّكًا بِكَلَامِ الْحَبَشِ يُسَمُّونَ التَّرْنَجَ مُتَّكًا» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۱۳۳) در زبان حبشی به ترنج، مُتَّكًا گویند. سیوطی موضوع معرب‌بودن واژه مورد بحث و معنای آن در زبان حبشی به ترنج را در بخش معربات کتاب الإلتقان نیز، ذیل واژه «مُتَّكًا» آورده است (سیوطی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۷). بنابراین، احتمال دیگری به احتمالات تحقیق اضافه می‌شود و آن اینکه این واژه در اصل، معرب باشد و با همان قرائت مشهور «مُتَّكًا»، معنای ترنج بدهد.

آندرو ریپین با سیوطی هم‌عقیده به نظر می‌رسد؛ وی معتقد است ریشه این واژه در معربات به دو زبان قبطی و حبشی بازمی‌گردد که در هر دو زبان، معنای آن «ترنج» است. وی فضای داستان حضرت یوسف (ع) که در مصر (آفریقای جنوبی) واقع شده را با مکان رواج دو زبان فوق مرتبط دانسته و همین ارتباط را دلیل احتمالی ترجیح معنای ترنج از سوی سیوطی در کتاب المتوگلی می‌داند (ریپین، ۱۳۹۲، صص ۳۲۳-۳۲۴). پیشتر بین مفسران گروه دوم، ابوالفتوح رازی از قول عدّه‌ای آورده بود که واژه مُتَّكًا تشبیه نبوده و بلکه مستقلاً معنای خوراکی می‌دهد و شعری نیز در تأیید آن آورد که این نظر با معنای ترنج برخاسته از واژه معرب، کاملاً سازگار است. معرب‌دانستن واژه مورد بحث مؤیدی آشکار برای معنای ترنج به نظر می‌رسد لیکن شایسته است در ادامه، نقدهای وارد به معنای ترنج و همچنین ایرادهای معنای تکیه‌گاه، تحلیل شوند.

۶- معنای ترنج برای مُتَّكًا

لحاظ کردن معنای ترنج برای واژه مورد بحث، در آرای مفسران پررنگ‌تر از معنای تکیه‌گاه است؛ زیرا اولاً، مفسرانی که واژه «مُتَّكًا» را به «تکیه‌گاه» معنا کرده‌اند، معنای «ترنج و خوراکی» را با سیاق داستان مناسبت‌تر دانستند و ثانیاً، معرب‌دانستن واژه «مُتَّكًا» در اقوال برخی مفسران مانند سیوطی، به تنهایی معنای حقیقی واژه را بر «ترنج» مستقر کرده است. همچنین معنای ترنج برای واژه مورد بحث، عبارت آیه شریفه را

از تقدیر نیز بی‌نیاز خواهد کرد. اما در آرای مفسران، نقدهایی به معنای ترنج یا خوراکی وجود داشت که در ادامه تحلیل می‌شوند، لیکن ابتدا، ایرادات وارد بر معنای تکیه‌گاه تبیین خواهند شد.

۱-۶- تکیه‌گاه

تکیه‌گاه هرچند دارای مؤیداتی در لغت، روایات عامه - و نه روایات خاصه - و آرای مفسران بود، لیکن ایرادهایی به شرح زیر به آن معنا وارد است:

الف. لزوم اخذ تقدیر

مفسرانی چون ثقفی، معنای ترنج را مناسب‌تر از تکیه‌گاه می‌دانستند و برای لحاظ معنای تکیه‌گاه در عبارت قرآنی، اعتراف نمودند که ناچار به اخذ تقدیر هستند؛ به این معنا که بگویند: برای آن‌ها تکیه‌گاه یا مجلسی فراهم کرد [تا ترنج بخورند] و به دست هریک چاقویی داد. چنان‌که پیشتر گذشت، سایر مفسران مخالف با معنای ترنج نیز که آشکارا به لزوم اخذ تقدیر اشاره نکرده‌اند، نیز در تفسیر خود عملاً به تقدیر روی آورده‌اند؛ زیرا واژه چاقو در ادامه عبارت مورد بحث با معنای تکیه‌گاه و مجلس کامل نخواهد شد. دانشمندان معتقدند طبق «اصل عدم تقدیر» در علم اصول، مفسر می‌بایست در معنای آیات قرآن، اصل را بر عدم تقدیر نهد مگر اینکه قرینه‌ای برای تقدیر باشد (سبحانی، ۱۴۲۹، ص ۱۹)؛ در حالی که قرائت غیر مشهور «مُتَكَاً» به معنای ترنج، خود، جزو ظاهر کلام بوده و با در نظر گرفتن آن، معنای جمله کامل و بی‌نیاز از تقدیر است به این صورت که: برای آن‌ها ترنج فراهم کرد و به دست هریک چاقویی داد. ملاحظه می‌شود که اصل عدم تقدیر، قرائت غیر مشهور «مُتَكَاً» را برای واژه مورد بحث تقویت می‌کند.

ب. اظهار امر معلوم

همچنین ایراد قرشی بر معنای تکیه‌گاه قابل تأمل به نظر می‌رسد که می‌گوید: معنایی ندارد اگر گفته شود: آنها را دعوت کرد و برایشان تکیه‌گاه فراهم کرد، زیرا از لوازم برگزاری مجلس باشکوه، وجود تکیه‌گاه بوده و بعید است که قرآن کریم که فصیح است، امر معلومی را بیان نماید. این ایراد - برخلاف ایراد قبل که هر دو معنای تکیه‌گاه و مجلس را در بر می‌گرفت - تنها بر معنای تکیه‌گاه وارد است؛ چنان‌که قرشی، خود، ایراد فوق را مطرح و سپس، معنا را بر مجلس مستقر کرد. اما وی، دلیل رد معنای ترنج را قرائت شاذ «مُتَكَاً» دانست که در ادامه تحلیل می‌شود.

۲-۶- ترنج

«ترنج» به عنوان معنای رقیب «تکیه‌گاه»، اولاً، از ایرادات فوق عاری است و ثانیاً، دارای مؤیداتی نیز هست. در ادامه، ابتدا مؤیدات معنایی ترنج تبیین و سپس ایراداتی که بر آن وارد کرده‌اند، پاسخ داده می‌شوند.

۶-۲-۱- مؤیدات معنایی ترنج

استقرار معنای «ترنج» برای واژه مورد بحث، علی‌رغم اینکه پیشتر (در آرای مفسران گروه چهارم) معنای مرّج واژه «مُتَّكَأً» بود، مؤیداتی نیز در علم لغت، روایات و معرّبات دارد که به شرح زیر هستند:

الف. تأیید لغوی

چنان‌که پیشتر گذشت، در میان لغویان راغب اصفهانی معنای واژه «مُتَّكَأً» در آیه مورد بحث را تنها ترنج دانسته که خوراکی متداول بوده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۱۶۷) و برخی دیگر مانند ازهری، ابن منظور و زبیدی معنای اصلی را تکیه‌گاه دانسته و معنای خوراکی را از این رو که تکیه‌گاه، محل خوردن است برای واژه مُتَّكَأً ذکر کرده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۸۲/ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، صص ۲۰۰-۲۰۱/ زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۴۹۹-۵۰۰). طریحی نیز یکی از معانی واژه را ذیل آیه مورد بحث، خوراکی دانسته است (طریحی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۵۳). بنابراین، هر دو معنای حقیقی و مجازی ترنج یا خوراکی برای واژه مورد بحث، در علم لغت، موجود و بلکه دارای مؤید لغوی است. اما مجازی بودن معنای ترنج پیشتر مورد نقد واقع شد و با توجه به معرّبات و شعری که ابوالفتوح رازی آورد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۶۲) رد شده و در این مجال نیز با توجه به آرای برخی از لغویان مانند راغب که تنها معنای ترنج را ذکر کرده‌اند، قابل رد است.

ب. تأیید روایی

همچنین معنای خوراکی و ترنج از تأیید روایات نیز برخوردار است؛ طبق گزارش طبری پیشتر روایان از صحابه و تابعین، همین معنا را اختیار کرده‌اند و تعداد روایان معنای تکیه‌گاه و مجلس نسبت به آنها اندک است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲، صص ۱۱۹-۱۲۰). در روایات امامیه نیز معنای مشترک روایت امام سجّاد (ع) و علی بن ابراهیم معنای خوراکی و ترنج را نسبت به معنای تکیه‌گاه تقویت کرده؛ زیرا در روایت امام سجّاد (ع) بدون صراحت در معنای واژه مورد بحث، تنها به مجلس، خوراکی و ترنج اشاره شده و آمده است: «فَأُرْسِلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ هَيَّئْتُ لَهُنَّ طَعَامًا وَ مَجْلِسًا ثُمَّ أَتَتْهُنَّ بِأَتْرُجٍ...» (عیاشی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸۶)؛ «به سوی زنان فرستاد و برایشان خوراکی و مجلس آماده کرد سپس به آنها ترنج داد...». لیکن روایت علی بن ابراهیم آشکارا برای واژه «مُتَّكَأً» تنها معنای ترنج را ذکر کرده و گفته: «مُتَّكَأً أَى أْتْرُجَه؛ متکأ به معنای ترنج است» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۳) و علاوه بر آن، معنای خوراکی (ترنج) قدر مشترک هر دو روایت است.

ج. معرّب بودن واژه «مُتَّكَأً»

از طرف دیگر، طبق نقل ابن ابی حاتم، ابوالشیخ و سیوطی از سلمة - که مورد تأیید محققانی همچون آندرو ریپین نیز بود- قرائت مشهور «مُتَّكَأً» نیز در زبان حبشی و قبطی به معنای ترنج است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۱۳۳/ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۶ و بی تا، ص ۳۱/ ریپین، ۱۳۹۲، صص ۳۲۳-۳۲۴). معرّب دانستن واژه مورد بحث، نه تنها عاری از ایرادات یادشده در پذیرش معنای تکیه‌گاه است، بلکه هم‌راستا با سایر یافته‌های تحقیق بوده و مستقلاً، معنای «ترنج» را بر واژه مورد بحث مستقر می‌کند؛ هرچند این معنا

از سایر تأییدات نیز برخوردار است مانند فرهنگ محاوره عرب، و آن شعری است که ابوالفتح از عدی بن زید آورد و در آن معنایی جز خوراکی متصوّر نبود.

۶-۲-۲- پاسخ به ایرادات استقرار معنای ترنج بر واژه مورد بحث

اما به استقرار معنای ترنج بر واژه مورد بحث - علی‌رغم مؤیداتی که در علم لغت، روایات فریقین، آرای مفسران و معرّبات دارد- دو ایراد وارد شده بود که عبارتند از: ۱. شاذبودن قرائت «مُتَكَاً» به معنای ترنج، و ۲. مجازی بودن معنای «ترنج»؛ در ادامه، هریک از نقدهای وارده پاسخ داده می‌شوند.

الف. قرائت شاذ

پیشتر ملاحظه شد که مفسرانی چون میبیدی، ثقفی و طباطبایی مهم‌ترین ایراد معنای ترنج را قرائت شاذ «مُتَكَاً» دانستند. اولاً، دلیلی بر انحصار قطعی قرائت مشهور در دست نیست؛ چنان‌که برخی از محققان، حتی از میان محققان شیعه، قرائت هفتگانه را متواتر دانسته و جواز خوانش هرکدام از آنها را صادر کرده‌اند (حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵) و برخی دیگر نیز این جواز را به اکثر علمای امامیه نسبت داده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷/عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹). در اهل سنت برخی مانند ابن جزری، عثمان بن سعید دانی، مکی بن ابی‌طالب، احمد بن عمار مهدوی و ابوشامه، علاوه بر قرائت ده‌گانه، حتی قرائت خارج از قرائت هفت یا ده‌گانه را به سه شرط موافقت با قواعد ادبیات عرب، مطابقت با قرآن‌های عثمانی و صحت سند پذیرفته‌اند (خویی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۸). محققان معتقدند این نظر تمام علمای گذشته بوده و در مقابل آن، مخالفی نیز یافت نشده است (همان). ثانیاً برخی از مفسران، بارها قرائت غیرمشهور را بر قرائت مشهور ترجیح داده‌اند؛ مانند طبری که در برخی از آیات، قرائت مشهور را حتی جایز ندانسته است. به عنوان نمونه، پیرامون قرائت واژه «سواء» در عبارت ﴿سَوَاءٌ أَلْعَاكِفُ فِيهِ وَ أَلْبَادُ﴾ (حج: ۲۲/۲۵) پس از بحثی مفصّل گفته است: من قرائت منصوب واژه «سواء» را جائز نمی‌دانم (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۱۰۳) درحالی‌که قرائت به نصب، قرائت مشهور است. ثالثاً، برخی از محققان معاصر معتقدند پذیرش بی‌چون و چرای قرائت مشهور در عصر حاضر متداول شده و ناشی از نوعی مصلحت‌اندیشی است که می‌کوشد قرائت مشهور را متن اصلی قرآن قلمداد کند، اما در گذشته چنین نبوده و قرائت غیرمشهور نیز مورد استفاده واقع می‌شدند (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹). این درحالی است که حتی بین برخی از دانشمندان اهل سنت، قاری قرائت مشهور (عاصم بن بهدله کوفی) به اضطراب، تزلزل و کم‌حافظه‌بودن متهم است و راوی او (حفص بن سلیمان اسدی) با عناوینی چون متروک الحدیث، غیرقابل اعتماد، کذاب و جاعل در حدیث شناخته شده که برخی چون عبدالرحمان بن مهدی، نقل حدیث از وی را حرام دانسته‌اند (خویی، ۱۳۹۳، صص ۱۸۶-۱۸۸). بنابراین، می‌توان گفت دلیل متقنی برای پذیرش انحصاری قرائت مشهور و ترک سایر قرائت در دست نیست. مخصوصاً در واژه مورد بحث، که قرائت غیرمشهور مؤیداتی در لغت، روایات فریقین، آرای مفسران، سیاق آیه و معرّبات نیز دارد.

ب. مجازی بودن معنای «ترنج»

ایراد دوم مجازی بودن معنای «ترنج» است؛ اولاً، دلیل استعمال مجاز، قصد گوینده در عبور ذهن مخاطب از معنای حقیقی است و اگر جز این باشد، دلیلی برای استفاده از مجاز در ادبیات نخواهد بود. به بیان دیگر، معنای حقیقی نسبت به معنای مجازی ارجحیت ندارد و چه بسا مراد جدی گوینده کلام، معنای مجازی باشد و نه معنای حقیقی.

ثانیاً، با توجه به نقل سیوطی مبنی بر معرّب بودن «مُتَّكًا» و معنای آن به «ترنج» در زبان‌های قبلی و حبشی و تقویت نظریه آنها از سوی ریپین که معرّب دانستن واژه مورد بحث را با فضای داستان که در منطقه آفریقای جنوبی (مصر) واقع شده، مناسب‌تر دانست و نیز با توجه به گفتار ابوالفتح رازی مبنی بر استقرار معنای حقیقی خوراکی بر واژه مورد بحث و شعری که در تقویت ادعای خود آورد، احتمال مجازی بودن معنای ترنج تضعیف شده و استقرار معنای حقیقی واژه، نه بر «مجلس و تکیه‌گاه» و بلکه بر «ترنج» تقویت می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه گذشت، یافته‌های تحقیق پیش رو، در ارزیابی معنای واژه «مُتَّكًا» عبارتند از:

۱. معنای واژه «مُتَّكًا» در آیه ۳۱ سوره یوسف از دیرباز محل آرای مختلف لغویان و مفسران بوده و معانی مختلف آن، شامل «مجلس»، «تکیه‌گاه»، «خوراکی» و «ترنج» است که می‌توان آنها را در دو معنای «تکیه‌گاه» و «ترنج» خلاصه کرد؛ دو معنایی که هر دو، ریشه در لغت و روایات دارند.
۲. از بین دو معنای «تکیه‌گاه» و «ترنج»، معنای «تکیه‌گاه» بیشتر در آرای لغویان و معنای «ترنج» بیشتر مورد توجه مفسران بوده است و برخی از لغویان نیز معنای ترنج را به مفسران نسبت داده‌اند؛ هرچند ریشه لغوی نیز دارد.
۳. در روایات مأثوره از صحابه و تابعین، معنای ترنج و خوراکی با نقل بیشتری نسبت به معنای تکیه‌گاه و مجلس آمده و در امامیه نیز دو روایت موجود است که جمع آن دو، معنای ترنج را تقویت کرده و هیچ‌یک از دو روایت، اشاره‌ای به معنای «تکیه‌گاه» نکرده‌اند.
۴. واژه مورد بحث دارای قرانات مختلف است. قرانت مشهور آن «مُتَّكًا» بوده که لغویان هر دو معنای تکیه‌گاه و خوراکی را برای آن آورده‌اند؛ لیکن قرانتی شاذ به گونه «مُتَّكًا» نیز موجود است که در علم لغت، صرفاً به معنای «ترنج» است.
۵. به استقرار معنای «تکیه‌گاه» بر واژه «مُتَّكًا» دو ایراد وارد است: الف) لزوم اخذ تقدیر برای معنای آیه که بنابر اصل عدم تقدیر، می‌بایست حتی المقدور از آن پرهیز شود و ب) اظهار امر معلوم که در گفتار شخص فصیح، بعید است؛ چه اینکه بی‌معناست اگر مجلسی باشکوه مهیا شده و تکیه‌گاهی برای آن متصور نباشد.
۶. برخی به معنای «ترنج» دو ایراد وارد کرده‌اند؛ ایراد نخست قرانت شاذ «مُتَّكًا» که در پاسخ، الزام به پذیرش انحصاری قرانت مشهور مورد نقد واقع شده و تمسک به قرانات غیر مشهور نیز جایز شمرده شد و ایراد دوم، مجازی بودن معنای «ترنج» است که با توجه به وجود واژه مورد بحث در معرّبات و معنای آن به

- «ترنج» در زبان‌های حبشی و قبطی، باید گفت معنای این واژه به «ترنج» نه از باب مجاز، بلکه حقیقی است. این معنا با فضای داستان سوره یوسف (آفریقای جنوبی) نیز مناسب است.
۷. بر اساس نقل سلمة بن تمام، واژه «مُتَّكًا» با همین قرائت مشهور در زبان حبشی به معنای ترنج است. پذیرش معرّب بودن واژه مورد بحث و نیز پذیرش معنای آن در زبان‌های قبطی و حبشی به «ترنج»، مؤیدی است که احتمال معنای تکیه‌گاه را تضعیف و معنای واژه مورد بحث را بر «ترنج» مستقر می‌کند.
۸. استقرار معنای «ترنج» بر واژه «مُتَّكًا» دارای مؤیداتی در لغت، روایات فریقین، سیاق آیه مورد بحث، آرای مفسران و معرّبات قرآن بوده و نیز خالی از ایرادات وارد به معنای «تکیه‌گاه» است؛ همچنین ایراد قرائت شاذ و معنای مجازی آن نیز رفع شده و ایراد دیگری برای آن یافت نشد.

منابع و مآخذ

-قرآن کریم

۱. ابن أبي حاتم، عبدالرحمان بن محمد؛ *تفسير القرآن العظيم*؛ رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس؛ *معجم مقاييس اللغة*؛ قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن عاشور، محمد الطاهر؛ *التحرير والتنوير*؛ بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن عطية أندلسي، عبد الحق بن غالب؛ *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ *لسان العرب*؛ قم: نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
۶. ابوالبقاء، أيوب بن موسى؛ *الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية*؛ بيروت: مؤسسة الرسالة، بی تا.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۸. احمد مختار، عمر، عبدالعال سالم، مكرم؛ *معجم القراءات القرآنية*؛ تهران: اسوه، ۱۴۱۲ ق.
۹. ازهری، محمد بن احمد؛ *تهذيب اللغة*؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. اشكوري، محمد بن علی؛ *تفسير شريف لاهيجي*؛ تهران: نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
۱۱. بيضاوي، عبدالله بن عمر؛ *تفسير البيضاوي*؛ بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. تفتازاني، مسعود بن عمر؛ *شرح تصريف العزّي*؛ بيروت: دار المنهاج، ۱۴۳۲ ق.
۱۳. ثعالبي، عبدالرحمن بن محمد؛ *تفسير الثعالبي*؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. جرجاني، علی بن محمد؛ *كتاب التعريفات*؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. جوهری، اسماعيل بن حماد؛ *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)*؛ بيروت: دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. حلّي، حسن بن يوسف؛ *تذكرة الفقهاء*؛ بی جا: مكتبة المرتضوية، بی تا.
۱۷. خاروف، محمد فهد؛ *التسهيل لقراءات التنزيل*؛ دمشق: دار البيروتي، ۱۴۳۳ ق.
۱۸. خرمشاهی، بهاء الدين؛ *سهم ایرانیان در تفسير قرآن کریم*؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. خویی، سيد ابوالقاسم؛ *البيان في تفسير القرآن*؛ به کوشش سيد جعفر حسینی، تهران: دار الثقلين، ۱۳۹۳ ش.
۲۰. دهخدا، علی اکبر؛ *لغت نامه*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲۱. زمخشري، محمود بن عمر؛ *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل*؛ بيروت: دار الكتب العربي، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات الفاظ القرآن*؛ بيروت: دار الشامية، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. رضا، محمد رشيد؛ *المنار (تفسير القرآن الكريم)*؛ بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. ريبيّن، آندرو؛ «واژگان دخیل و تعیین زبان خارجی آنها در تفسير قرآن»؛ زبان قرآن تفسير قرآن، مرتضى کریمی نیا، تهران: هرمس، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. زریاب خویی، عباس؛ «ترجمه تفسير طبري»؛ دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران: اساطير، ۱۳۳۹ ش.
۲۶. سبحانی، جعفر؛ *الموجز في اصول الفقه*؛ قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۹ ق.
۲۷. سبزواری، محمد؛ *الجديد في تفسير القرآن المجيد*؛ بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. سيوطي، عبدالرحمان بن ابی بكر؛ *الإتقان في علوم القرآن*؛ به کوشش سيد محمود طيب حسینی، قم: دانشکده اصول الدين، ۱۳۹۲ ش.

۲۹. _____؛ تفسیر الجلالین؛ بیروت: مؤسسة النور، ۱۴۱۶ ق.
۳۰. _____؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. _____؛ رفع شأن الحیثان؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۳۲. شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنی عشری؛ تهران: میقات، ۱۳۶۴ ش.
۳۳. شبّر، سید عبدالله؛ تفسیر القرآن الکریم؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۷ ق.
۳۴. شرتونی، رشید؛ مبادئ العربیة فی الصّرف و التّحو (۴)؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۷. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. _____؛ ترجمه تفسیر طبری؛ تهران: توس، ۱۳۵۶ ش.
۳۹. طریحی، شیخ فخرالدین؛ تفسیر غریب القرآن الکریم؛ قم: انتشارات زاهدی، بی تا.
۴۰. _____؛ مجمع البحرین؛ تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۶ ق.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۲. عاطف الزّین، سمیح؛ تفسیر مفردات ألفاظ القرآن الکریم؛ بیروت: دار الکتب اللبنانی، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. عاملی، سیدجواد بن محمد؛ مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۴. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق.
۴۵. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۴۶. فراء، یحیی بن زیاد؛ معانی القرآن؛ قاهره، الهیئة المصریة العامه للکتاب، ۱۹۸۰ م.
۴۷. فراهی هروی، معین الدین؛ حدائق الحقائق؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: دارالهجره، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. فیض کاشانی، مولی محسن؛ تفسیر الصّافی؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ق.
۵۰. قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۵۴ ش.
۵۱. قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۵۲. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ قم: دار الکتب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ ق.
۵۳. کاشانی، فتح الله بن شکرالله؛ منهج الصادقین فی إلزام المخالفین؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۱۳ ش.
۵۴. کاشفی، ملاحسین بن علی؛ مواهب علیه؛ تهران: اقبال، ۱۳۱۷ ش.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۵۶. میبدی، ابوالفضل؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار؛ تهران: سپهر، ۱۳۶۱ ش.
۵۷. نجفی، روح الله و محمد؛ «قرائت های قرآن»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۹، شماره ۱، ۱۳۹۱ ش.